پروژه نهایی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: پژوهش هنر

عنوان

مطالعه مفاهیم و کاربرد رنگ در نقاشی قاجار

استاد راهنما: جناب آقای دکتر بهنام جلالی جعفری

استاد مشاور: جناب آقای مهدی اخویان

دانشجو: پرستو احدی‌کلی

شماره دانشجوئی: ۸۵۱۳۵۷٤۱۱

سال تحصیلی:۸۹-۸۸

چکیده

هنر نقاشی قاجار تلاقی احساس هنرمند ایرانی اسلامی است که با اوج شیوه اروپـایی آن روز، دوره رشـد تکنولوژی را آغاز کرده بود. پژوهش حاضر به منظور مطالعه مفاهیم و کاربرد رنگ در نقاشی قاجار انجـام گردیده است، بدین منظـور از روش توصـیفی تحلیلـی اسـتفاده شـده و اطلاعـات بـه روش کتابخانـه‌ای گردآوری گردیده است. به علت عدم انجام هر گونه تحقیق تخصصی در این زمینه، محـور پـژوهش ایـن پایان‌نامه بر مبنای مفاهیم و کاربرد رنگ در نقاشی های دوره فتحعلی شاه و زمان ناصـری قـرار داده شـده است.

اهداف دنبال شده عبارتند از: تغییر دیدگاه نسبت به نقاشی قاجار به دلیل ریشه‌یابی رنگ‌ها و شناخت دقیق هنر و نقاشی این دوره. در این پژوهش به بررسی رنگ های به کار رفته در نقاشی پرداخته شده است از این رو که هنر نقاشی در آغاز حکومت قاجار با پیشرفت و اوج همراه بوده است و در روابط این عصر به طور مساوی از نقاشی ایران و اروپا مایه می‌گیرد و در پایان به تدریج بر نفوذ سبک اروپایی افزوده می‌شود.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که هنر قاجار بالاخص نقاشی این دوره با هنر غـرب گـره خـورده است. توانمندی هنرمند ایرانی در منطبق ساختن رنگ و تزئینات با المان‌های[1] غربی حاکی از این است که نقاشی ایران تحت تأثیر غرب بوده است و همچنین استفاده از تزئینات و موتیف‌ها برگرفتـه از هنـر شـرق است که هنرمند با استفاده از عناصر عاریه‌ای و به کار بردن عمق و سایه روشن، هنر سنتی خود را بـه روز می‌کند. در واقع در این دوره هنرمند به واسطه داد و ستد با اروپاییان ناگزیر از تبادلات فرهنگـی و هنـری می شود ولی روحیه ایرانی خود را حفظ کرده و به تقلید صرف نمی‌پردازد.

کلید واژگان : مفاهیم رنگ، نقاشی قاجار، قاجار

[1] Element عنصر، جسم بسیط، جوهر

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

چکیده ..... الف

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- حقایق موجود ۴

۱-۲- بیان مسئله ۷

۱-۳- پرسش‌های آغازین ۸

۱-۴- اهداف پژوهش ۹

۱-۵- فرضیات پژوهش ۱۰

۱-۶- پیشینه پژوهش ۱۱

۱-۷- ضرورت پژوهش ۱۳

۱-۸- روش تحقیق ۱۴

فصل دوم: موقعیت تاریخی و فرهنگی دوره قاجار

۲-۱- پیشینه قاجار ۱۶

۲-۲- بازتاب اندیشه های اجتماعی در هنر دوره قاجار ۲۰

۲-۳- نقاشی در دوره قاجار ۲۴

۲-۳-۱- ریشه‌یابی هنر نقاشی قاجاریه ۳۰

۲-۴- نقاشی قاجار به عنوان هنری مستقل ۴۱

۲-۵- عناوین نقاشی ۴۴

۲-۵-۱- تصاویر پادشاهان و شاهزادگان ۴۴

۲-۵-۲- تصاویر رقاصه‌ها و نوازندگان و زنان بزم‌افروز ۴۶

۲-۵-۳- تصاویر داستان‌های مذهبی و قدیمی ۴۶

فصل سوم: رابطه رنگ و فرم

۳-۱- رابطه ادبیات و فرم و رنگ در نقاشی قاجار..... ۵۱

۳-۲- نشانه‌شناسی رنگ در نقاشی قاجار..... ۵۶

۳-۳- نماد رنگ ها در آثار هنری ۶۲

عنوان	صفحه

۳-۳-۱- رنگ در نقاشی دوره قاجار ۶۸

۳-۴- رنگ و شخصیت در آثار دوره قاجار ۷۱

فصل چهارم: مفاهیم و کاربرد رنگ

۴-۱- رنگ‌های اصلی و کاربرد آن ۷۵

۴-۱-۱- رنگ‌های ایرانی و کاربرد آن در نقاشی ۷۸

۴-۱-۲- رابطه رنگ، فرم و بیان ۸۶

۴-۲- فلسفه کاربرد رنگ‌های رایج ۹۱

۴-۲-۱- رنگ و تزئینات در نقاشی قاجار ۹۸

۴-۳- مقایسه تطبیقی آثار ۱۰۰

۴-۳-۱- نقاشان بزرگ دوره قاجاریه ۱۰۸

نتیجه گیری ۱۱۰

فهرست منابع و مآخذ ۱۱۴

فهرست منابع تصویری ۱۱۸

چکیده به زبان انگلیسی ..... a

فهرست تصاویر

عنوان **صفحه**

تصویرشماره ۱- زنی در جامه اروپایی ۲۸
تصویر شماره ۲- پرتره پادشاه زند ۲۸
تصویر شماره ۳- دختر بیرون در ایستاده و سیبی در دست دارد ۲۹
تصویر شماره ۴- شاهزاده ۲۹
تصویر شماره ۵- فتحعلی شاه در لباس رسمی ۴۸
تصویر شماره ۶- زن جوان در حال زدن دایره ۴۸
تصویر شماره ۷- حضرت یوسف ۴۹
تصویر شماره ۸- بخشی از دیواره نگاره معرفی فرستادگان خارجی در تالار بارعام گلستان ۶۱
تصویر شماره ۹- صورت یکی از شاهزادگان ۱۰۵
تصویر شماره ۱۰- چهره فتحعلی شاه ۱۰۵
تصویر شماره ۱۱- فتحعلی شاه نشسته روی قالیچه مرصع و ساعتی در جلویش ۱۰۶
تصویر شماره ۱۲- دو دلداده ۱۰۶
تصویر شماره ۱۳- تصویر شاهزاده و پسر جوانش ۱۰۷
تصویر شماره ١٤- استنساخ ۱۰۷

مقدمه

اگر چه تاریخ یک ملت و یا یک سرزمین به عنوان شناسه همان قوم یا مملکت محسوب و مورد مطالعه قرار می‌گیرد و تمام اجزاء و ارکان آنان اعم از نوع زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم نشانگر طرز تفکر و قابلیت‌های آنان به حساب می‌آید، لیکن تأثیر پذیری آن از شرایط و فرهنگ‌های دور و نزدیک غیر قابل انکار و لاجرم قابل ملاحظه است.

نگارنده این پایان نامه بر آن است تا این تأثیرات را در مقطعی از زمان بر بخشی از آثار به جا مانده که بیشتر مربوط به مفاهیم رنگ در نقاشی دوران قاجار است مورد بررسی قرار دهد. مسئله این است که رنگ‌های استفاده شده در نقاشی دوره قاجار متأثر از فرهنگ شرق است یا غرب؟ دسترسی به امکانات و یا تعامل با افراد غیر بومی و تبادل افکار با بیگانگان در پیدایش آثار هنری خصوصاً نقاشی غیر قابل انکار است. پرسش‌های فرعی این است که چگونه هنرمندان دوره قاجار هنرهای وارداتی را دستمایه کار خود قرار داده‌اند؟

آیا رنگ و بوی فرهنگ ایران باستان و تمدن‌های پیشین در آن‌ها یافت می‌شود یا خیر؟

فرض بر این است که رنگ‌های استفاده شده در دوره قاجار متأثر از هنر شرقی (نگارگری) است.

رنگ در نقاشی‌ها متأثر از فرهنگ و تمدن پیشین است و وابسته به شرق و غرب نیست و هنر کاملاً بومی و رنگ‌ها برگرفته از نگارگری ایرانی است.

رنگ در نقاشی این دوره متأثر از آثار اروپایی و فرهنگ غرب است.

و بالاخره اینکه هنرمندان در این دوره به کدام بخش از جامعه تعلق دارند و متأثر از چه طبقه‌ای بوده‌اند؟

آن جایی که دین و باورهای یک قوم دچار تغییر می‌گردد، اثر مستقیم بر خلق آثار هنری گذاشته و هرگاه باورهای انسان دگرگون شود، نوع نگرش به جهان و ماورای آن ادبیاتی جدید، فلسفه‌ای متفاوت و جهان بینی بدیعی را به وجود می‌آورد، که آن نیز در همه ابعاد زندگی و از جمله هنر و به طور اخص در آثار نقاشان متجلی می‌گردد. استفاده از صنعت و تکنولوژی به دست آمده از سرزمین‌های دیگر ابزاری متفاوت را در اختیار هنرمندان هر دوره قرار می‌دهد و کاربرد آن تحولی آشکار را نمایان می‌سازد با این همه در بررسی این آثار به خوبی می‌توان فرهنگ ایران، میزان استقلال و بعضاً تأثیرات مذکور را مشاهده کرد و در تطبیق آن با آثار هنری دیگر کشورها جایگاه شاخص آن را مشخص و تصدیق نمود. نتیجه اینکه در بررسی این نقاشی‌ها به این مسئله ایمان آورده و فرضیات خود را به اثبات رساندم. در آثار این دوره هنرمند از تلفیق سنت و یافته‌های رنگ‌آمیزی غربی بهره

گرفته و آن‌ها را به زیبایی بومی‌سازی کرده و حتی در تزئینات و نقش بته جقه‌ها از فلسفه شرق استفاده کرده است. هر چند که در خدمت قشر خاصی از افراد هم عصر خود بوده است.

در این دوران هنرمند نقاش، یافته‌های خود را به بوته آزمایش گذاشته و سعی در آزمون و خطا می‌کند و از طریق به کار بردن رنگ‌های زنده و شاداب توجه بیننده را به آثار معطوف می‌کند.

در بررسی پیشینه تحقیق به پیشینه همسان برخورد نکردم ولی پیشینه همسو که مربوط به دوره قاجاریه است وجود دارد که برای علاقه مندان به مطالعه و آثار دوره قاجار به شماری از این پایان نامه‌ها اشاره می‌شود.

بررسی طرح و رنگ و فرم در بناهای مذهبی(ایرانی، اسلامی). ساره معصومی نژاد. کارشناسی صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، ۱۳۸۵

مقایسه رنگ و نقش کاشی صفوی و قاجار(مدرسه چهار باغ اصفهان و مدرسه عالی سپهسالار). عبدالامیر صراف زادگان. کارشناسی ارشد. تربیت مدرس. دانشگاه هنر، ۱۳۸۰

نور و رنگ در عرفان و فلسفه.شهلا قاسمیان دستجردی. کارشناسی. دانشگاه تهران. ۱۳۷۲

امید است که مطالعه آن‌ها اثر بخش و راهگشا باشد.

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- حقایق موجود

نقاشی ایرانی به لحاظ به کار گیری رنگ‌هایی ناب و درخشان در ظریف‌ترین حد ممکن، مورد ستایش بسیار قرار گرفته است. نگارگران ایرانی از تعدادی رنگ محدود، طیف وسیعی از رنگ‌های متنوع ساخته‌اند. این رنگ‌ها هنرمند را در راه تنظیم متعادل سطوح در کنار یکدیگر و سپس به کارگیری نقوش تزیینی بر روی این سطوح یاری می‌کردند و زمینه‌ای بایسته برای جولان فکر هنرمند پدید می‌آوردند.

«یکی از عناصر ذاتی هنر، انتخاب رنگ و مبانی عرفانی آن است. تجلی معنا در یک اثر هنری، الزاماً به معنای نسبت ذاتی آن معنا با اثر نیست زیرا گاهی یک اثر می‌تواند محمل جریان شود، بدون آنکه نسبتی ذاتی با معنا داشته باشد، لیک در نگارگری ایرانی اعتقاد بر این است که این هنر، نسبتی ذاتی با معنا یافته و زبان و فرم خود را از همان معنا اخذ کرده است و این نظریه دلیلی ساده دارد: فرم و رنگ در این هنر به واقعیت‌های عالم برون وفادار نیستند، کوه و دشت در این تماشاگه راز، رنگ‌هایی متفاوت با عالم واقعی دارند. پرسپکتیو در این آثار همچون نگارگری چینی عمودی است نه عمقی و بسان جریان نور در ظهور شعاع‌هایی عمودی از آسمان، جریان یافتن معنایی از عالم عرش به دنیای فرش را روایت می‌کند و نیز نگاهی را که از عالم فرش به بی نهایت عرش بالا میبرد. رنگ در این نگارگری با عدم تبعیت از اصل انطباق با واقع، روایتگر عالمی دیگر و جهانی فراتر می‌شود.» *(بلخاری قهی، حسن. ۱۳۸۴، صص ۴۸۲ ،۴۸۱)*

در این تحلیل نویسنده به نوعی فلسفه شرقی موجود در نقاشی را بازگو می‌کند.

هنرمندان نگارگر و یا نقاش که بهره مند از مفاهیم و نظریه‌های دانش‌هایی که در ارتباط تنگاتنگ با مردم است، بوده‌اند بالطبع آثارشان در قلب مردم زمانه ریشه خواهد دواند که پیامدش در میراث فرهنگی آن جامعه متبلور می‌شود و سرچشمه جوشان ارزش‌های هنری جهان شمول می‌گردد. به این ترتیب نقاش به کمک انقلابی در زیبایی شناسی هنرش را نه تنها مشروع می‌سازد، بلکه موفق می‌شود آن را به گواهی بر وجود خداوند بدل سازد، نه تنها از طریق محتوایی که ارائه می‌کند بلکه از طریق جوهرش، از طریق شکل ارائه و با طرح‌ها و رنگ‌هایی که با نظمی خاص گرد هم آمده‌اند.

«رنگ‌های غالب در نگارگری ایرانی انواع رنگ سبز و آبی است به همراه رنگ‌هایی چون سرخ، زرد، خاکی و لاجوردی. رنگ‌هایی درخشان و بس فرح انگیز که نرمی، لطافت، زیبایی، هیجان و شیدایی عالمی دیگر را روایت می‌کنند.» *(همان، ص ۴۸۲)*

و اینچنین است که نویسنده در دنباله مطلب به روح حاکم بر آن اشاره می‌کند.

«"هانری کربن" فلسفه نگارگری ایرانی را (متأثر نگارگری مانوی) رهنمون ساختن بینش به فراسوی عالم حسی می‌داند که برانگیزنده مهر و ستایش "پسران نور" و هراس از "پسران تاریکی" است و نیز به تماشا گذاردن بدنی رستاخیزی و لطیف از "انسانی نورانی" تا تصویرگر رهایی انسان از حدود و ثغور ظلمانی باشد.» *(کربن،هانری. ۱۳۷۹ صص ۲۹و۱۲۵)*

این برداشت نیز، داشتن پیشینه‌ای مبتنی بر عرفان را به نقاش نسبت می‌دهد.

«تیتوس بورکهارت این نگارگری را پردازنده جهانی دیگر می‌داند که همانا دارای گوهر دگرگون نشدنی یا "اعیان ثابته" است و به تعبیری دیگر، جهانی که صاحب انواع ممتاز هستی است و به همین دلیل، نوعی چون اسب در این نگارگری نمی‌تواند یکی از افراد نوع خویش محسوب شود که اسب ممتاز عالم مثال است.» *(بورکهارت، تیتوس. ۱۳۸۵،ص ٤۳)*

در اینجا نویسنده به این نتیجه رسیده است که در آن دوره کارهای نقاشان هنوز بر استعاره در بازگویی موضوع واقف نیست.

«بدین ترتیب رنگ‌ها و نورها در نگارگری ایرانی مثالی و واقعیت گریزند و به تعبیری نه جزء اثر که تمامی اثرند.» *(اپهام پوپ، آرتور. ۱۳٦٦، ص۱۵۲)*

کشف این واقع گریزی رنگ و درخشانی نور و درک باطن "دیگرگرایی" آن، که در جان نگارگری ایران جریان دارد توجه بسیاری از کاوشگران فلسفه رنگ و نور در هنر ایرانی را برانگیخته است.

«رنگ در این نگارگری نشانگر احساس لطیفی از رنگ‌ها است که گاه به طبیعت نزدیک و گاه دور می‌شود و در هر حال متأثر از جهش‌ها و درخشش‌های نورانی است که بر قلب هنرمند مسلمان می‌تابد.» *(عکاشه.۱۳۸۰، صص ۱۲،۱۵)*

در این موضوع نگارنده به بعد مذهبی نقاشی اشاره دارد که دور از واقعیت نیست.

«نگاره‌های سنتی ایران مثل یک دنیای کوچک از گل‌های همیشه بهار، همراه با نسیمی فرحبخش و انسان‌های با وقار و نور تابناک، بیننده را به تفرج و نشاط دعوت می‌کند. نگارگران ایرانی متعلق به هر نسل و سیاقی، پیوسته مفهوم خاص خود را از تصویر ارائه کرده‌اند.» *(کن بای، شیلا. ۱۳۸۲، ص ۹)*

هنرمندان اسلامی با آگاهی کامل، با رها کردن اصل تقلید محض از طبیعت، انقلابی بنیادی به وجود آوردند که باعث شد با آگاهی کامل تصمیم بگیرند آنچه در اثر مهم است تقلید از طبیعت و واقع گرایی نیست- زیرا هدف، اطاعت از اصول معکوس آن به شیوه‌ای ماهرانه و با فضای خود مینیاتور است، با شکل‌ها و رنگ‌هایش که با نوعی نظم و ترتیب کنار هم قرار گرفته‌اند. این دقیقاً همان چیزی است که هنر مدرن در اواخر قرن نوزدهم کشف کرد. از این به بعد تمامی کوشش نقاشان به تنظیم "جهان محتوا در این فضای کوچک" معطوف می‌شود.

آرتور پوپ می‌نویسد: «شاید اشتباه نباشد اگر هنر ایران را "هنر نقش مطلق" بخوانیم. یعنی هنری مثل موسیقی و معماری، زیرا که این هنر از زیبایی و کمال اجزا و حس ترکیب آن‌ها به صورتی با معنا و مؤثر حاصل می‌شود.» *(اپهام پوپ. ۱۳۶۶، ص۲۰)، (پاکباز،۱۳۸۳، ص۹)*

۱-۲- بیان مسئله

دوران زوال و پراکندگی هنر و حرمان و دربه دری هنرمندان تحت الحمایه دارالسلطنه‌های دوره صفویه، پس از افول داستان جالبی دارد که در نهایت به رهایی موازین هنر از قید دربار و گسترش آن به اعماق جامعه انجامید. پس از افول حکومت صفویه و استقرار سلسله افشاریه و مرگ نادر و ایجاد هرج و مرج در کشور و متعاقب آن به روی کار آمدن کریم خان زند و سلطه آقامحمد خان و استقرار قاجاریه پس از زوال عصر زندیه؛ نگارگری ایران نیز دستخوش تغییر و تحولاتی در نوع نگاه، مواد و مصالح، رویکردهای اجتماعی و همچنین طرز ارائه و تکنیک می‌شود. آن توجه و اهمیتی که شاهان صفوی برای هنر و هنرمند قائل بودند، از سوی کریم خان نسبت به هنرمندان صورت نگرفت، در نتیجه هنرمندان که حمایت دربار و رونق اقتصادی دوران صفویه را از دست داده بودند، ناگزیر شدند به طبقات پائین‌تر و برخی اشراف با فرهنگ، به ویژه طبقات متوسط جامعه گرایش پیدا کنند.

در فرآیند عبور از نگارگری عصر صفویه تا دوران قاجار، تغییراتی تدریجی در شگردها، ابزار کار و نوع نگاه در نقاشی ایرانی پدید آمد. نکته حائز اهمیت آنجاست که به خاطر داشته باشیم که از صفویه به این سو نقاشی اروپایی آرام آرام به جامعه ایرانی راه پیدا می‌کند و هنرمند ایرانی، از ابزارهای جدیدی مثل رنگ و روغن و بوم بهره می‌گیرد و در فرآیند این تأثیر پذیری به طور حتم دانش استفاده کردن از رنگ به صورت شرقی و غربی به نقاشی راه پیدا می‌کند لذا این مسئله مطرح می‌شود که: (تفاوت‌هایی در نقاشی قاجار از کارکرد و کاربرد رنگ نسبت به دوره‌های پیشین دیده می‌شود) و این تحقیق به دنبال عوامل این تفاوت‌ها می‌باشد و بررسی اینکه آثار به جای مانده مربوط به چه قشری از جامعه هستند می‌پردازد.

۱-۳- پرسش‌های آغازین

هرچه از دوره صفویه دور و به قاجاریه نزدیک می‌شویم، روند آشنایی با هنر اروپایی ابعاد فزون‌تری به خود می‌گیرد. این آشنایی، بیشتر به یک دیدار می‌ماند، دیداری که نخستین نتایج آن به نوعی "تلفیق" می‌انجامد. تلفیقی که به علت فقدان عنصر نقد و عامل نگاه دارنده‌ای چون تاریخ نویسی علمی و تجزیه و تحلیل عوامل فرهنگی؛ سخت شکننده است و هر آن ممکن است به ورطه تقلید بلغزد. سؤال این است که با وجود تأثیر پذیری نقاشی دوره قاجار از فرهنگ شرق و غرب کدام عامل فرهنگی تأثیر بیشتری بر روی نقاشی گذاشته و اینکه در کاربرد رنگ و رنگ آمیزی ردپای سنت و فرهنگ ایران باستان مشاهده می‌شود و چگونه از هنر و فلسفه خاور دور (چین و...) در این تصاویر استفاده شده است. برای رسیدن به پاسخ این سؤالات به طور کلی یک سؤال اصلی و یک سؤال فرعی مطرح می‌گردد که عبارتند از:

سؤال اصلی:

- رنگ‌های استفاده شده در نقاشی دوره قاجار متأثر از چه فرهنگی می‌باشد؟

سؤال فرعی:

- چگونه نقاش دوره قاجار استفاده از رنگ در هنرهای وارداتی را دستمایه کار خود قرار داده است؟

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش تغییر دیدگاه نسبت به نقاشی قاجار است؛ که میراث ایرانی است و جای دارد که خودمان در این مقوله به تحقیق و تفحص بپردازیم و به اطلاعات علمی در حد بضاعت بیفزاییم تا نیازمان را از شرق و غرب که شناخت کافی و وافی نسبت به ایران و ایرانی ندارند به حداقل برسانیم. دانستن اینکه هنر نقاشی در هر دوره‌ای و بالاخص در دوره قاجار به چه قشری از جامعه تعلق دارد و بر چه اصولی استوار است و آثار بر جای مانده چه القائاتی را در ذهن بیننده ایجاد می‌کنند لزوم این تفحص را مسجل می‌سازد، زیرا همیشه هنر پیروانی را به خود اختصاص می‌دهد و پیشینه آن راهگشای این مهم است.

۱-۵- فرضیات پژوهش

در بررسی نقاشی‌های دوره قاجار و همچنین ترکیب رنگ‌ها این سؤال به ذهنم رسید که در آثار این دوره استفاده از رنگ‌ها و همچنین موتیف‌ها و تزئینات متأثر از چه فرهنگی می‌باشد؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال چند فرضیه به ذهن متبادر می‌شود که در این برهه به طور اخص از هنر شرقی تأثیر گرفته شده است و یا اینکه فرهنگ و تمدن پیشین ایران زمین نیز قابل توجه بوده و یا صرفاً از آثار اروپایی و فرهنگ غرب بهره گرفته‌اند و به دلیل اینکه تأثیر پذیری این ادوار از نقاشی‌های غرب قابل اندازه گیری نیست به معرفی موارد تأثیر گرفته شده (نمونه‌ها) و تحلیل اختلاف این آثار با آثار سنتی (پیشین) معطوف می‌شود که این فرضیات عبارتند از:

۱- رنگ در نقاشی دوره قاجار متأثر از هنر شرق دور است.

۲- رنگ در نقاشی دوره قاجار متأثر از نگارگری و فرهنگ و تمدن پیشین ایران است.

۳- رنگ در نقاشی دوره قاجار متأثر از آثار اروپایی و فرهنگ غرب است.

۴- نقاشی‌های به جای مانده از دوره قاجار گویای تعلق نقاشان به طبقه‌ای خاص می‌باشد.

۱-۶- پیشینه پژوهش

در این بررسی به پیشینه همسان برخورد نکردم ولی در مورد رنگ چند پیشینه همسو وجود دارد، که به طور اخص به دوره قاجار و یا نقاشی قاجار اشاره نشده است، این رساله به بحث رنگ در بناهای مذهبی، و کاشی کاری پرداخته است.

مقایسه رنگ و نقش کاشی صفوی و قاجار (مدرسه چهارباغ اصفهان و مدرسه عالی سپهسالار). عبدالامیر صراف زادگان. کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، ۱۳۸۰

در این رساله با طبقه بندی رنگ و نقش کاشیکاری در دوره صفوی و قاجار و انتخاب نقوش ویژه و مشابه، آن‌ها را مورد مقایسه قرار داده و دلایل تغییرات آن‌ها را بررسی کرده است. مشخص شدن انگیزه انجام تغییرات در این دوره‌ها می‌تواند زمینه‌های رکود و کم رنگ شدن حضور کاشی در دوره‌های بعد را مشخص کند. در این رابطه دو مکان انتخابی از دو دوره صفوی و قاجار (مدرسه چهارباغ اصفهان و مدرسه عالی سپهسالار) به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. شیوه‌های به کار گرفته شده در دوره صفوی به صورت تجریدی و انتزاعی است اما گرایش دوره قاجار به آثار هنرهای تزئینی در غرب شدت فراوانی یافت و اشکال به صورت رئال و غیر انتزاعی و تقلیدی مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین پایان نامه دیگری که مربوط به بررسی طرح و رنگ و فرم در بناهای مذهبی (ایرانی، اسلامی). ساره معصومی نژاد.کارشناسی صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، ۱۳۸۵ و رساله دیگری که نقاشی دیواری دوره قاجار را بررسی کرده است با عنوان تحقیقی در باب نقاشی دیواری دوره قاجار و معرفی عوامل اساسی و بنیادین در آنها. دانشگاه الزهرا، دانشکده هنر، ۱۳۷۸

مختصری از این رساله از این قرار است که کار هنرمندان ایرانی دوره قاجار با وجود نزدیکی زمان تا کنون ناشناخته باقی مانده است و جز موارد محدود کسی نقاشی دیواری قاجار را معرفی نکرده در دوره قاجار به دلیل ارتباط گسترده با ممالک اروپایی تغییر و تحول مهمی در روش و تکنیک هنرمندان قاجار رخ می‌دهد و برای اولین بار در تاریخ ایران هنرمندان ایرانی سعی دارند روش‌های غربی را تجربه کنند. در کنار آشنایی هنرمندان ایرانی با نقاشی غربی حکومت وقت با تأسیس دارالفنون به طور رسمی نقاشی را جز رشته‌های درسی مدرسه قرار می‌دهد. این تمایل به حرفه نقاشی با تغییر و تحول در شیوه معماری محسوب می‌شده است. این پژوهش سعی دارد به معرفی نقاشی‌های دیواری دوره قاجار از نظر کیفیت، مواد و مضامین آن بپردازد.

نور و رنگ در عرفان و فلسفه. شهلا قاسمیان دستجردی. دانشگاه تهران، ۱۳۷۲

پیشینه هم سنخ نیز مربوط به دوره قاجار وجود دارد که در آن به هنر نقاشی اشاره ای نشده و صرفاً به بررسی فرم، تزئینات و تصویر سازی پرداخته است.

بررسی فرم و تزئینات ابزار آلات فولادی دوره قاجار با تأکید بر قفل‌ها، قیچی‌ها و آتش زنه‌ها. میترا اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا، دانشکده هنر، ۱۳۸۵

در این رساله ساخت ابزار فولادی که شاخه‌ای مستقل و مهم در هنر فلز کاری دوره قاجار است مورد مطالعه قرار گرفته و ارزش هنری این آثار، در فرم تزئینات هنرمندانه آن‌هاست. به علت عدم انجام هرگونه تحقیق تخصصی در این زمینه، محور پژوهش در این پایان نامه فرم و تزئینات سه گروه از ادوات فولادی این دوره قرار داده شده است.

۱-۷- ضرورت پژوهش

از آن جا که نقاشی ایران اهمیت به سزائی در تاریخ هنر دارد و اینکه در بررسی هنر و نقاشی ایرانی، دوره قاجار مهجور مانده و کمتر به آن پرداخته شده است . نگارنده برای آشنایی بیشتر دانشجویان و کسانیکه به هنر ایران علاقمند هستند به بررسی این دوره تاریخی پرداخته و سعی در شناساندن این برهه زمانی می‌نماید اما آن چه بیش‌تر محتمل است، این است که سنت و هنر اسلامی که عمیقاً در حال نفوذ است، برای اینکه بیش از پیش از هم جدا نشوند و دورنیفتند (چیزی که در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در سرزمینهای اسلامی مقارن قرن هجدهم و نوزدهم میلادی رخ می‌دهد) تحولی است که از مبانی زیبایی شناسی و حکمت هنر اسلامی بروز و ظهور می‌کند. هنرمندان مسلمان در این دوران تحت الشعاع معیارها و ارزش‌های مسلط به فرهنگ‌های تصویری و معماری هنر غربی به ویژه هنر باروک قرار می‌گیرند. در این تصاویر، بسیاری از رسوم به طرح و اسلوب نقاشی اروپا دیده می‌شود که با نقاشی ایران در آمیخته است. باید پذیرفت که نهضت هنری ایران مقارن مواجهه با هنر اروپایی بعضاً تأثیر مثبتی در هشیاری و تفکر هنری ایرانیان را آشکار کرده است، به خصوص در آن جا که قالب ثابت نگارگری کهن فروپاشیده می‌شود و صحنه تجربه به فضایی تمثیلی اما واقعی و خلقی روی می‌آورد.

ضرورت این پژوهش به دلیل آشنایی بیشتر با این تجارب و رسیدن به اوج شکوفایی هنر قاجار است که البته با همه برجستگی‌هایی که دارد از طبقات پائین دست خود جدا افتاده و با جامعه خود ارتباط بسیار ضعیفی برقرار می‌کند و بیانگر نوع زندگی عامه مردم نیست به جز کمال الملک و شاگردان او که در دوره ناصرالدین شاه ظهور می‌کنند و با زندگی عامه مردم رابطه بیشتری برقرار می‌کنند.

۱-۸- روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیل متون (Content Analytical) که از نوع تحقیق‌های توصیفی تحلیلی (Analytical) از مجموعه تحقیق‌های بنیادی (Basic) است.

برای این تحقیق از تحلیل محتوای متون که از روش کتابخانه‌ای (Literature Survey) استفاده شده است و ابزار گرد آوری اطلاعات فیش برداری است.

که براساس اصول زیبایی شناسی دوره قاجار و همچنین ادوار پیش از آن به جمع آوری اطلاعات و داده‌ها پرداخته می‌شود و مضامین (تم‌ها) و موضوعات طبقه بندی میگردد.

از این رو امکان روشن شدن اختلاف بیشتر آن‌ها بروز خواهد کرد و مفاهیم تغییر یافته رنگ‌ها و ضرورت کاربرد رنگ‌های جدید خود نمایی می‌کند.